

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد و آله الطاهرين

[فایل pdf](#)

از جمله بحثهایی که مرتبط با بحث ما است بحث توبه است
بحث توبه و کیفیت احراز آن است. مخصوصا من این سوال را می پرسیم که اگر توبه مثبت حد است معمولا توبه و اظهار توبه
می کنند توبه هم لا يعلم من قبل صاحبها پس باید پذیرفت و بحث هم بحث خوبی است.
مخصوصا این که به شما عرض کنم که بحث توبه منحصر به نهاد توبه نیست؛ اگر نکته ای را در این باره یاد بگیریم طبیعتا
درسایر بخش های دین به کار ما می آیدمخصوصا بحث ماهیت توبه است.
به ویژه این که ما بحث هایی داریم که نشان می دهد حضرات تفسیر درستی از توبه نکرده اند.
بنابراین از توبه مسقط حد شروع می کنیم تا برسیم به جزئیات دیگر.....
من چند سوال را میخوام د راین جا مطرح کنم:
سوال شده در مواردی که توبه مسقط حد است، مثل حدی که با اقرار ثابت شده یا قبل از این که بینه اقامه شود، فرد توبه کند
، آیا اظهار لفظ دال بر توبه از طرف مجرم برای سقوط حد کافی است؟
یا باید عملی دال بر ثبوت توبه از او سر زده باشد ؟
سوال بعد این است که در مواردی که توبه قبل از اقامه بینه مسقط حد است، مثلا فرض کنید که حد الله است نه حق الناس ،
آیا ثبوت توبه قبل از بینه کافی است یا اظهار توبه عند الحاکم باید قبل از بینه باشد؟
جالب این است که باید سوال را دو قسمتی کنیم آیا عندالحاکم یعنی عند الوالی یا عند القاضی؟ این جاها خیلی بحث است این
جا اجرای حدود که توبه می خواهد جلوی آن را بگیرد آیا شان والی است یا براساس تفکیک قوا شان قاضی است؟ البته به این
شکل نه سوال شده و نه جایی آمده ولی جای بحث دارد.....
در جمهوری اسلامی ، رئیس قوه قضاییه را رهبر نصب می کند ؛ لذا رهبر قاضی نیست اما والی هستآیا توبه هر
جا انجام شودکفایت می کند یا باید نزد حاکم وقاضی باشد؟
سوال سوم آیا در توبه مسقط حد ، احراز توبه لازم است یا احتمال توبه هم کافی است؟ یا در صورت شبهه توبه نیز حاکم شرع
می تواند حد را اجرا نکند و تمسک به قاعده الحدود تدرء بالشبهات کند ؟
در این جا بگوییم چون شبهه موضوعیه توبه داریم، شایدتوبه کرده باشد ؛حد ساقط می شود.....
ممکن بود کسی بپرسد، آیا هر حدی با توبه ساقط می شود؟ یا حدودی که پای حق الناس در کار نیست و آیا توبه مسقط به این
معنا که مرخص است برای قاضی که حد را اجرا نکند؛یا توبه ملزم است که اگر قاضی حد را اجرا کند خلافکار است؟ و باید
قصاص شود و یا تعزیر شود البته این سوالی هست که اگر می شد طبیعتا فقها می توانستند جواب دهند.....
مطلبی را یکی از شما ها فرستادید : ملاحظه شرایط د راجرای مجازات به طور قاعده جریان ندارد لکن به طور موردی خاص
جریان دارد ...
قصه از این قرار بودکه گفتیم وقتی در کشوری اسلامی وقتی می خواهند مجازاتی را جاری کنند چقدر وابسته اش می کنند به
سایر شرایط
مثلا اگر تعرض به مال دیگران جرم است ؛ فرض کنید در کشور گرسنگی بیداد می کند ومردم زیر خط فقرندوقتی

حاکمیت نتوانسته مشکل اشتغال و مشکل را حل کند، نباید مجازات دزدی را اجرا کند این ها یک بسته است که یا باید با هم باشد و یا این که هیچکدام نباشد، اجرای مجازات یا حدود در فضایی که سایر شرایط زیست مناسب وجود ندارد درست نیست؛ مطلبی که اوائل انقلاب می گفتند مخصوصا در ایران ایراد میگیرند برخی و همین حرفها را مطرح می کنند

من عرض کردم که ما نمی توانیم این طوری بگوییم که همه چیز باید با هم اصلاح شود تا بعد بخواهیم که حدود را اجرا کنیم یا جریمه ها را حل کنیم

یکی از دوستان پی گیری کردند بحث را و گفته اند که در کشوری مثل فرانسه به این شکل نیست که سایر شرایط هم ملاحظه شود لکن موردی ممکن است تخفیفاتی داده شود یا عفو صورت گیرد که از این موارد ، ما مواردی داریم تحت عنوان عفو امام یا توبه ؛ باید ببینیم اگر رسیدیم باید مطلب را بیان کنیم و لازم است تشکر کنیم از فاضل ارجمندی که همین مقدار تحقیق را برای ما آوردند ...

راجع به سوالات مطرح شده ما ترجیح میدهیم از فقهای معاصر جواب را دریافت کنیم؛ مرحوم آیت الله بهجت ایشان فرمودند : توبه با صرف ادعا پذیرفته می شود.....البته قولی هم هست که توبه باید مقرون با عمل صالح باشد

پس ایشان معتقدند که اختلافی است و ظاهر هم این است مشهور متفق اند بر این که قولی هست حداقل عبارت این است که مشهور معتقدند که صرف اظهار ادعا کافی است .

اصلا لازم نیست که عملی از او سر زند یا شاهد صدقی بر کلام او باشد در مورد سوال دوم که گفته اند میزان مقدمیت توبه است نه اظهار عند الحاکم چون سوال کرده بودند که آیا هر جا توبه صورت بگیرد کافی است یا باید عندالحاکم باشد که ایشان معتقد است لازم نیست هر جا که خواست توبه کند

راجع به سوال سوم اگر شبهه توبه باشد قاعدتا وقتی صرف ادعا پذیرفته می شود، دیگر احراز توبه لازم نیست ... اگر ندانیم توبه کرده یا نکرده ، ادعا هم نمی کند که توبه کرده ؛ این جا ممکن است معتقد شویم که کسی مثل آیت الله بهجت زیر بار نمی رود ... وگرنه صرف ادعای توبه هم کفایت می کند .

سوال این است که شاهد صدق نمی خواهیم اما شاهد کذب مانع هست یا نه ؟ اگر قاضی اطمینان دارد که این فرد دارد دروغ می گوید عبارت جناب آقای بهجت صرف ادعا پذیرفته می شود. اگر نخواهیم سوبسید بدهیم ایشان بگوید مگر این که برخلاف ادعای او ثابت شود. لذا این هم هست که اگر صرف ادعا کافی است آیا مشهور هست که علم به خلاف و اطمینان به خلاف نباشد یا همین هم لازم نیست؟

از ایشان منتقل می شویم به یکی از مراجع معاصر (حضرت آیت الله صافی گلپایگانی) ایشان هر سه سوال را پاسخ میدهد :

1. اظهار توبه با لفظ کافی است

2. ثبوت توبه قبل از اقامه بینه کافی است ولو در دادگاه و عندالحاکم نباشد

3. احراز لازم است .

این با این جمله که اظهار توبه با لفظ کافی است چگونه جمع میشود؟ ولی احراز لازم است به هر حال این امور لا یعلم الا من قبل صاحبها و این بنده خدا آمده و می گوید که من توبه کردم ما ممکن است بگوییم خود اظهار احراز است قهرا ممکن است کسی بگوید اگر این قدر منفتح است پس غیر احرازش کجا است ؟ می گوییم غیر احرازش جایی است که اعتراف نکرده باشد... این می شود عدم احراز

از آیت الله فاضل سوال کردند ایشان گفته ظاهر ا لفظ کافی است اصل توبه کافی است و اظهار توبه نزد حاکم لازم نیست و در ادامه گفته اند که ظاهرا احراز توبه لازم است .

هم ایشان هم آیت الله صافی نگفتند که شاهد کذب اگر باشد مانع هست یا نیست ..

مگر این که بگویند در جایی که شاهد کذب داریم لفظ هم به درد نمی خورد

به هر حال باید این ها را با سوبسید جمع کرد

از آیت الله مکارم ما نظری داریم که ایشان بحث عمل را مطرح می کنند و می گویند ظاهر ادله این است که باید عملی نیز از او ظاهر شود که دال بر توبه باشد یعنی هم باید که لفظ باشد ؛

و راجع به سوال دوم هم گفته اند که هر گاه ثابت شود توبه قبل از دستگیری بوده کافی است و توبه عندالحاکم موضوعیت ندارد

نکته ای که این جا هست این که سوال این بود که توبه قبل از بینهایشان تعبیر را عوض کرده و تعبیر دستگیری را آورده است.

راجع به سوال سوم ، ایشان می گویند نشانه های توبه اگر آشکار شده باشد کافی است. ولو قطعی و مسلم نباشد

باز از معاصران مرحوم آقای سید عبدالکریم اردبیلی سوال اول را جواب داده که اظهار لفظ کافی است عمل لازم ندارد

سوال دوم : احتیاج ندارد در سقوط حد به اظهار توبه عند الحاکم

وراجع سوم : در سقوط حد احراز توبه کافی است و اگر احتمال قوی توبه به جهت قرائن ظنیه باشد کافی است و اگر احتمال صرف باشد ، وجود قرائن کفایت نمی کند .

از رصد نظر مراجع می گذریم ببینیم اداره حقوقی قوه قضاییه چه نظری دارد ..و بعد هم برویم سراغ قانون گذار

تا بعد ادله را بررسی کنیم و تا این جا فقه بود و از این جا به بعد می شود حقوق و قانون

سوال این بوده که شرایط ثبوت و احراز توبه نزد حاکم را بیان فرمایید ...

سوال بعد آیا با مراجعه شخصی به حاکم و اعتراف نزد وی آیا توبه محقق میشود یا این که برای ثبوت و استقرار توبه موارد

دیگری لازم است لطفا مشروحا بیان فرمایید

اداره حقوق قوه قضاییه در بیست و هفتم مردادماه 76 این گونه اظهار نظر کرده است:

متمسک شده به قانون مجازات اسلامی

در قانون مجازات اسلامی برای احراز و ثبوت توبه نزد حاکم شرایط خاصی پیش بینی نشده لذا به نظر می رسد که احراز این

مطلب با توجه به وضعیت روحی و جسمی توبه کننده به عهده دادگاه است.

گاهی مقام قضایی وقتی طرف را می بیند مطمئن می شود که طرف پشیمان شده است و گاه برعکس

دوم این که اقرار به گناه در خواست اجرای حد کافی برای توبه نیست توبه آن است که شخص از گناهی که مرتکب شده

پشیمان شود و تصمیم بگیرد که دیگر مرتکب آن نشود،

ولی یک سوال این جا هست و آن این که اگر کسی از گناهی که انجام داده پشیمان شود ، تصمیم بگیرد که دیگر مرتکب نشود؛

اما نه چون گناه کرده چون برای او ضرر داشته است ؛ سوال این است که آیا این توبه است؟ یا این که توبه ندیم الی الله است

؟الندم عن الذنب الی الله

در رابطه با پشیمانی گفته می شود که از این کار پشیمان شد ، ممکن است کسی پشیمان شود اما عطف نظر به جایی نکند اما

اگر عطف نظر به جایی کند و توجه کند به جایی با الی می آید؛ توبوا الی الله

توبه آن است که شخص از گناهی که مرتکب شده پشیمان شود ، و تصمیم بگیرد که دیگر مرتکب نشود.

اداره حقوقی در ادامه گفته : در مقررات فعلی قانون مجازات اسلامی مواد 181 و 182 و بند 5 ماده 200 توبه را موثر در سقوط

حد دانسته است .

شما باید کتاب قانون همیشه کنار دستتان باشد ماده 181 را ببینید ؛ هر گاه کسی که شراب خورده قبل از اقامه شهادت توبه

کند حد از او ساقط می شود ولی توبه بعد از اقامه شهادت موجب سقوط حد نیست.

ماده 182: هر گاه کسی بعد از شرب مسکر توبه کند ، قاضی می تواند از ولی امر تقاضای عفو نماید یا حد را براو جاری کند

...جالب این جا است که عفو را شان ولی امر دانسته نه قاضی للامام ان یعفو

در تعبیر قانونگذار به جای امام از لفظ ولی امر استفاده شده است.

بنده 5 ماده 200 هم می گوید: سارق ، قبل از ثبوت جرم از این گناه توبه نکرده باشد که اگر توبه کرده باشد، ساقط می شود.

سرقت یک شان الہی دارد و یک شان الناسی دارد .

علمای ما و ادارہ حقوقی قوہ قضاییہ و قانون گذار ما بہ آن سوالات سہ گانہ پاسخ دادہ اند و د رمجموع سوالی بی جواب نماند.